

اشبیلیه

Sevilla

اشبیلیه در روزگار دولت اسلامی ، بزرگترین و زیباترین شهرهای اندلس (اسپانیا) بشمار میرفت اشبیلیه از قرطبه بزرگتر و زیباتر بود. رونق و جمال آن در زمان دولت (بنی‌عباد) که پایتخت آنها بود بالا گرفت و بروزگار حکومت (موحدین) بار دیگر مرکزیت خود را حفظ کرد ، ولی در زمان همین دولت نیز به عنوان پایگاه اسلام سقوط کرد و در سال ۶۴۶ هجری مطابق ۱۲۴۸ میلادی یعنی دوازده سال بعد از سقوط قرطبه بدست کاستیل‌ها افتاد ، و از آن زمان تا اوائل قرن شانزدهم میلادی پایتخت «کاستیل» بود .

اشبیلیه از آن زمان تا کنون زیباترین شهرهای اسپانیا بوده است . دولتها و اعصار متوالی پیوسته بر شکوه و جلال آن افزوده ، و به داشتن کاخ‌ها و مراکز بزرگ علمی و آثار کثیر تاریخی معروف گشته است .

اشبیلیه امروز نیز یکی از شهرهای بزرگ اسپانیا بشمار می‌رود ، و تعداد سکنه آن تقریباً به ۲۵۰ هزار نفر میرسد . اشبیلیه از لحاظ عظمت و تعداد نفوس به ترتیب بعد از «بلنسیه» واقع است . رودخانه معروف «وادی الکبیر» از غرب آن می‌گذرد و آنرا به دو قسمت کرده است . این شهر تاریخی ، امروز دارای میدانهای زیبا و خیابان‌های بزرگ جدید است . این تغییرات در محل جدید آن بیشتر دیده میشود و از کارخانه‌های زیاد و حرکت تجاری بزرگی برخوردار است .

بعلاوه اشبیلیه امروز مرکز تحول فرهنگی جدید اسپانیا است ، و تأسیس دانشگاه قدیمی آن به دو قرن پیش بازگشت میکند ، و مشتمل بر دانشکده‌های ادبیات ، حقوق ، علوم ، پزشکی است ، مختصری هم زبان عربی در دانشکده ادبیات آن تدریس میشود !

اشبیلیه دارای موزه ایست بنام «محموظاهند» که قسمت پر ارزش از اسناد متعلق به کشف امریکا ، و تاریخ مستعمرات امریکائی اسپانیا و ادارات آن در آنجا نگاهداری میشود . هر ساله بسیاری از دانشمندان از کشورهای مختلف مخصوصاً امریکا برای مطالعه و تحقیق پیرامون این مدارک و اسناد به اسپانیا سفر میکنند .

آثار اسلامی در اشبیلیه، امروز

امروز در اشبیلیه جزاندکی از آثار تمدن اسلامی، باقی نمانده است. این مختصر آثار اسلامی نیز چیزی نمانده است که در لباس جدید مسیحیت پوشیده شود. در عین حال همین مختصر آثار اسلامی، هنوز هم جمال و زیبایی و اهمیت تاریخی و امتیاز خاص خود را حفظ کرده است.

کافی است که اشبیلیه کنونی دوائر اسلامی منحصر به فرد خود را حفظ کند. این دوائر مناره مسجد اعظم سابق آن، و «القصر» است که دارای شکل اسلامی مخصوص بخود می باشد در اینجا مانع از مسجد اعظم و مناره آن که بیادگار مانده است، سخن میگوئیم. در واقع امروز مسجدی که بتوان آنرا مسجد نامید مثلاً مانند مسجد جامع قرطبه که طاقها و محرابهای آن از دست نابودی نجات یافته، باقی نمانده است. در جای مسجد بزرگ قدیمی اشبیلیه امروز، کلیسای بزرگ آن که معروف است خود نمائی میکند. این کلیسا از لحاظ عظمت و بزرگی بعد از کلیسای «پترس» در «رم» دومین کلیسای جهان است. بنا بر این از مسجد سابق اشبیلیه، امروز جز صحن قدیم و مناره آن چیزی باقی نمانده است!

مسجد سابق اشبیلیه را «یوسف» فرمانروای اسلامی شمال آفریقا و اسپانیا از سلسله (موحدین) در سال ۱۱۷۲ یعنی زمانی که در اشبیلیه اقامت داشت، بنا کرد، و گفتیم که اشبیلیه در آن موقع پایتخت دولت «موحدین» بود. یوسف مبالغهنگفتی صرف بنای این مسجد کرد ولی قبل از تمام آن درگذشت.

بعد از او پسرش یعقوب المنصور پس از آنکه در جنگ معروف «ارک» سال ۱۱۹۵ میلادی بر سپاه مسیحیان اسپانیا پیروز شد، مسجد را به اتمام رسانید و مناره مشهور آنرا که تا کنون هم در جای خود ایستاده است و اسپانیاییها و لاهیرالدا، LAGIRALDA میگویند، بنا کرد در سال ۱۲۴۸ هنگامیکه اشبیلیه بدست مسیحیان افتاد، مسجد جامع آنرا بصورت کلیسا درآوردند. و در سال ۱۴۰۲ شروع به ساختمان کلیسای بزرگ اشبیلیه بر روی زمین مسجد نمودند که بیش از یک قرن ساختمان آن بطول انجامید!

کلیسای بزرگ اشبیلیه که جانشین مسجد جامع قدیم شده است، در سمت جنوب شهر واقع است.

«گریستف کلمب» کاشف دنیای جدید (امریکا) نیز در زیر گنبد همین کلیسا مدفون شده است.

آنچه از مسجد اشبیلیه مانده است

صحن مسجد بشکل قدیم خود محفوظ مانده و در سمت شمال کلیسا واقع شده و یک سوم مساحت کلیسا است. طاقهای اطراف صحن در سمت شمال و غرب آن هنوز باقی است ولی شکل

نخستین خود را اذ دست داده است .

درب بزرگ مسجد در شمال صحن باطاقهای اسلامی و روکش‌های برنزی آن هنوز بهمان شکل حفظ شده ، و بر بالای هر لنگه آن درب بزرگ این جمله نقش بسته است « بسم الله الرحمن الرحيم وصلي الله على محمد » . ارتفاع این درب بزرگ ده متر و عرض آن پنج متر میباشد !

عجبا اینجاست که این درب بزرگ و با مهابت علی‌رغم نقوش اسلامی و آیات قرآنی که در روی آن مسطور است ، در میان اسپانیایی‌ها معروف به «درآمزش» است ! مجسمه حضرت مریم را پهلوی این در قرار داده اند و توبه کنندگان و آمزش طلبان در برابر آن زانو میزنند !
غزال فاسی در سفرنامه خود کلیسای بزرگ اشبیلیه را بدینگونه توصیف کرده است :
«ده مسجد بزرگی که تعلق به مسلمانان داشت» ؛ سپس از صحن مسجد جامع سخن گفته و می‌نویسد :
در صحن مسجد جامع بیست و پنج درخت نارنج وجود دارد و در اطاق‌های اطراف آن عده‌ای از اسقف‌ها سکونت دارند .

درب بزرگ مسجد در سمت شرقی واقع است و دری عریض و بزرگ می‌باشد . شش در دیگر هم در سمت شمال و شرق است که پوششی از مس و نقوش عربی و آیات قرآنی دارد و بدون شك یکی از درهای مسجد جامع قدیم اشبیلیه است (۱)

مناره بزرگ مسجد اشبیلیه

«لاخیرالدا» چنانکه گفتیم امروز نام مناره مسجد سابق اشبیلیه است . این مناره با جمال و زیبائی خود همچون گهر قیمتی و تاریخی اشبیلیه است . سلطان یعقوب (المنصور) آنرا بطرز مناره مسجد اعظم مراکش ساخت که آن مسجد هم منسوب باوست . این مناره بشکل چهار گوش ساخته شده و بسیار عالی است .

هنگام بنا بر فراز این مناره سه قبه طلایی بوسیله «ابو لیث صقلی» نصب شد ، که بالغ بر صد هزار دینار قیمت داشت . ارتفاع مناره المنصور (لاخیرالدا) ۹۶ متر است و از داخل به بالا راه دارد . در وسط آن چهار دریچه و دیدگاه بسبک معماری عربی و اسلامی بانقش‌های بسیار بدیع عربی و مغربی ساخته شده است . این چهار دریچه در زیر دریچه و دیدگاه پنجم واقع است که دارای راهرو و بالکن میباشد ، و ظاهر آن محل برای اذان‌گویان منظور گردیده است ، بعد از این دریچه و دیدگاه آخرین دریچه‌های آن واقع است که امروز برج ناقوس‌های کلیسا است ، چون در نلک سوم مناره تغییرات زیادی پدید آمده است .

قبه‌های طلایی آنرا که شکل اسلامی داشت و قسمت پائین آنرا از میان برده و قسمت بالای مناره در حدود دریچه پنجم که در وسط مناره قرار داشت ، ابقا شده است .

(۱) سفرنامه غزال فارسی ص ۳۱

آنگاه اسپانیایی‌ها در قرن شانزدهم برج ناقوس‌ها را بر روی آن بنا کردند . دانشمند باستان‌شناس اسپانیایی «کنت رابرس» مینویسد : «این مناره بشکل کاملاً اسلامی به چشم می‌خورد و فن معماری تزئینی به تمام معنی در آن جلوه گراست . متأسفانه این برج زیباشکل کامل خود را از دست داده است و امروزه نمی‌توانیم وضع سابق و گنبد‌های طلائی و رنگ روشن آن را بیاد آوریم» .

من توانستم به بسالای این مناره صعود نمایم و از آن جایگاه مرتفع اشبیلیه زیبا را تماشا کنم .

این مناره عظیم و زیبا با قامت برازنده خود در قلب اشبیلیه قرار دارد و شکوه و مهابت خاصی بخود گرفته است .

این مناره مشرف بر تمام شهر اشبیلیه است ، از آنجا نهر معروف «وادی الکبیر» واقع در نزدیک شهر و اراضی حاصلخیز اطراف اشبیلیه بخوبی دیده میشود . حتی هنگامیکه شما در قطار نشسته‌اید میتوانید از مسافت بسیار دور مناره مسجد اسلامی قدیم اشبیلیه را به بینید .

اثر نفرین مادریا عکس العمل کار ناپسند :

«جارالله زمخشری» صاحب تفسیر معروف «کشاف» در حادثه‌ای یکپایش را از دست داد .

هنگامیکه وارد بغداد شد و با «فقیه دامغانی» ملاقات کرد ، علت مقطوع بودن پایش را برای او چنین شرح داد : «در زمان کودکی گنجشکی را گرفته و پایش را به نخ پیسته بودم ، گنجشک ، از دستم پرید و داخل سوراخی شد ، نخ را آنقدر کشیدم که یک پای حیوان از جا کنده شد !

مادر من از جریان قضیه باخبر شد و فوق‌العاده متأثر گردید و در حتم نفرین کرد و گفت : خدا پای چپت را قطع کند ؛ همچنانکه پای چپ این حیوان بیچاره را قطع کردی !

هنگامیکه بسر حدردش رسیدم و برای کسب دانش به بخارا میرفتم ، از اسب بزمین افتادم و پایم شکست . اطباء چاره‌ای جز این ندیدند که پایم را قطع نمایند ، اینست که می‌بینی از پای چپ عاجز مانده‌ام .

وفیات الاعیان ج ۴ ص ۲۲۵